



تغییر شکل دستفروشی در گف‌ت و گو با یک جامعه شناس بررسی شد

# بساط‌های غیرمجاز مجازی

◀ **حمیده امینی‌فرد**  
خبرنگار

طرح ساماندهی دستفروشان در تهران در حال اجراست. پژوهشی که با عنوان «دستفروشان بساط‌گستر در شهر تهران، پژوهش و راهکار» انجام شده نشان می دهد ۹۴ درصد دستفروشان موافق طرح ساماندهی هستند اما در واقعیت فقط حدود ۵ هزار دستفروش در تهران در سامانه ساماندهی ثبت نام کرده اند و تعداد زیادی همچنان موافق رونق بازار غیررسمی دستفروشی هستند. کارشناسان معتقدند تا زمانی که بازار دستفروشی در تهران همانند سایر کلانشهرهای بزرگ دنیا مثل نیویورک به رسمیت شناخته نشود، همچنان این پدیده به عنوان یک «مسأله شهری» با باقی خواهد ماند. نکته مهم اما نگاه اجتماعی به این پدیده خرد اقتصادی است. یعقوب موسوی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «ایران» معتقد است که دستفروشی یک بخش غیر قابل تفکیک از اقتصاد اجتماعات است و قابل حذف نیست، اما آنچه امروزه دستفروشی را نسبت به گذشته متفاوت کرده، گرایش‌های اجتماعی به دستفروشی است و البته تغییر محیط دستفروشی از خیابان‌ها به فضای مجازی. گفت‌وگوی ما با او را در زیر می خوانید:

■ **نگاهی که این روزها به دستفروشی می شود، فارغ از اینکه حتی مشتری بساطدستفروشان باشیم یا نه! این است که آنها را به عنوان یک بخش زائد و اضافه شده به اقتصاد شهری می بینیم. آیا این نگاه غالب نشأت گرفته از تفکری است که می‌خواهد با پدیده دستفروشی مبارزه کند یا اینکه نگاه درستی است که در کشورهای دیگر هم وجود دارد؟**



در گفت‌وگوی «ایران» با کارشناسان آن سوی سالمندی جمعیت ایران بررسی شد

# به سمت سالمندی فعال

◀ **اسمیه افشین فر**  
خبرنگار

جمعیت سالمندان کشورمان روز به روز در حال افزایش است؛ افزایشی که رسانه‌ها از آن تحت عنوان «بحران» یا «سونامی» یاد می کنند. بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن که در سال ۹۵ انجام شده، ۹/۳ جمعیت ۸۵ میلیونی کشورمان را سالمندان تشکیل می دهند؛ سالمندانی که بالای ۶۰ سال سن دارند. این در حالی است که سن «امید به زندگی» در میان سالمندان کشورمان افزایش داشته است.

دکتر وحید راشد متخصص سالمند شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران در گفت‌وگو با «ایران» به بررسی وضعیت سالمندان کشورمان پرداخته است؛

دکتر راشد در توضیح این که چرا جمعیت سالمندی کشورمان افزایش داشته به کاهش نرخ زاد و ولد و افزایش سن «امید به زندگی» (افزایش میانگین عمر) اشاره می کند و می گوید: یکی از انتقاداتی که در کشور ما مطرح است، این موضوع است که رسانه‌ها همواره از بحران سالمندی و آسونا می‌سازند، این موضوع است، این موضوع است و این موضوع است، این موضوع است، این موضوع است و این موضوع است. سونامی سالمندی نام می‌برند. اگر نگاهی داشته باشیم به پیرترین کشورهای دنیا، ژاپن یکی از پیرترین کشورهاست. نرخ سالمندی ژاپن بین ۲۰ تا ۲۵ درصد است، آیا کشور توسعه نیافته‌ای است و بحران دارد؟ بعد از ژاپن نیز آلمان را داریم. کشورهای اسکندیناوی، سوئد، نروژ و…

آیا این کشورها توسعه نیافته هستند؟ پس سالمندی بحران نیست و اطلاع واژه بحران به سالمندی اشتباه است. اما این که چرا جمعیت کشورمان سالمند شده باید گفت چون سیستم بهداشتی درمانی در کشورمان ارتقا پیدا کرده و همین موجب افزایش «امید به زندگی» یعنی افزایش عمر در کشورمان شده است. در سال ۱۲۹۵ سن امید به زندگی ایرانیان ۲۹ سال بوده و در حال حاضر سن امید به زندگی در زنان ایرانی ۷۸ سال و در مردان ایرانی حدوداً ۷۵ سال است و این ناشی از ارائه خدمات سلامت بهتر به مردم است که باعث شده افراد بیشتر زنده می‌مانند.

وی ادامه می دهد: اما عامل دوم این است که زاد و ولد در کشورمان کم شده است. نحوه محاسبه سن سالمندی به این

■ **در این کشورها از چه سیاستی در قبال دستفروشان استفاده شده و می‌شود؟ آیا آنها بازار دستفروشی را تماماً به رسمیت شناخته‌اند؟**

نکته اینجاست که در همه این کشورها مشخص شده سیاست‌ها در قبال حذف نظام دستفروشی در نظام اقتصاد ملی یک سیاست شکست خورده است. بنابراین توجیحات، توصیه‌ها و سیاستگذاری‌ها همه به سمت ساماندهی و تنظیم یک بازار غیر رسمی در برابر یک بازار رسمی است.

■ **یعنی بازار دستفروشی رسمی است؟**

دستفروشی هم نیاز به لایه بندی، دسته‌بندی و تفکیک به انواع مختلف دارد. بنابراین هم دستفروشی رسمی وهم دستفروشی غیررسمی و زیرزمینی داریم. حتی بعضی از انواع دستفروشی در حکم جرایم اقتصادی است. خرید و فروش و توزیع اجناس غیرقانونی مثل مواد مخدر صدقانی از این نوع دستفروشی است. در تعاریف اسناد شهرداری، دستفروشی از دهه ۳۰ تا ۴۰ شمسی در حکم خرید و فروش کالا در معابر عمومی با چرخ دستی بوده که با مجوز رسمی و اشغال فضای عمومی تعریف شده بود، اما الان شکل گسترده‌تری پیدا کرده است و به شکل بازار دوم در شهرهای بزرگ تلقی می‌شود.

■ **پس باتغییر این تعریف، نوع سیاستگذاری‌ها هم متفاوت شده است؟**

بله سیاستگذاری‌ها به سمت به رسمیت شناختن بازار دوم رفته است. یعنی به جای حذف و مقابله با آن به سمت پذیرفتن آن رفته‌اند. چون در مقطعی در ایران به‌دنبال برخورد فیزیکی و جرایم سنگین مالی با آن بودند. الان در سلسله مراتب برخورد فیزیکی و انتظامی با دستفروشی حذف نشده، اما اخیراً بحث ساماندهی دستفروشان مطرح شده و سیاست جدید شهرداری‌ها هم بر همین مینا در حال اجراست.

■ **سیاست ساماندهی به نوعی می‌خواهد بازار غیررسمی دستفروشی را به سمت رسمی شدن ببرد؟**

در واقع می‌خواهد مدیریت شهری در مناطق، نواحی و فضاهای خاص که در اختیار دارد، کنترل و مدیریت داشته باشد.

■ **آیا فقط شهرداری در این حوزه مسئولیت دارد؟**

خیر فقط شهرداری مسئول نیست.

بهبیستی، قوه قضائیه و نیروی انتظامی هم باید مداخله کنند. خاطر همست در شورای چهارم قرار شد یک مرکز یا نهاد هماهنگ کننده بین نهادهای مختلف که در این حوزه به نوعی مسئولیت دارند، ایجاد شود. ما به یک پشتیبانی تحقیقاتی و علمی برای سروسامان دادن به دستفروشی نیاز داریم. آخرین مرحله برخورد انتظامی است که آن هم باید در صورت بحران اجرا شود.

■ **بحران یعنی چه زمانی؟**

ایجاد بحران یعنی زمانی که دستفروشی تبدیل به یک تهدید شهری از نظر سلامت اقتصادی شود و برای امنیت و آرامش و تردد شهروندان ایجاد مزاحمت کند. مجوز به برخورد فیزیکی البته یک راه حل است، اما راه حل‌های دیگری هم باید باشد تا مانع اجرای این برخورد فیزیکی شود. ایجاد بازارهای رسمی، صدور کارت ویژه، حمایت‌های مالی، پیدا کردن مراکز تقریباً ثابت برای عرضه اجناس، ارائه خدمات بهداشتی و نظارت بر سلامت کالا بویژه کالاهای مصرفی از جمله این راهکارهاست.

■ **وقتی در برابر این سؤال قرار می‌گیریم که چرا دستفروشی به‌وجود آمده، ذهنمان به سمت مسائل اقتصادی می‌رود، اما برای من جالب است که در شکل‌های جدید دستفروشی چه**

**در متروچه در معابر و پیاده‌روها ما با اقاشاری مواجه می‌شویم که لزوماً نیاز اقتصادی آنها را مجبور به دستفروشی نکرده است. یعنی ما با بی‌بافتی مواجهیم که می‌توانند در مشاغل دیگر هم باشند، اما ممکن است این شغل را به خاطر در آمد بیشتر و شرایط راحت‌تر انتخاب کرده باشد، نظر شما چیست؟**

تحقیقات و بررسی‌های زیادی نشان می‌دهد پدیده دستفروشی به‌دنبال موج مسائل اقتصادی که در شهر ایجاد می‌شود، مثل بحران بیکاری و گرفتاری‌های اقتصادی کم‌درآمد‌ها ایجاد می‌شود. اما از طرفی برای برخی فروشنده‌ها نیز پرسود است.

■ **به‌نظر می‌رسد ما با دو طیف در پدیده دستفروشی مواجهیم؛ عده‌ای که جزو اقشار ضعیف هستند و از این ناحیه اصرار معاش**

**می‌کنند و عده‌ای که در لباس دستفروشی، به صورت باند‌های ارتزاق کننده از این بازار غیررسمی هستند. اگر چه به گفته مسئولان شهری، تعداد این افراد زیاد نیست، اما موجب شده نگاه به دستفروشی هم تغییر کند. برای این معضل چه بایدکنیم؟**

http://irannewsaper.ir

editorial@irannewsaper.ir

انگیزه اجتماعی دارند، در مردها البته لزوماً این‌طور نیست. ما باید آنها را از هم تفکیک کنیم. با مثلاً جوانان دستفروش انگیزه دیگری دارند. باید تحلیلی از موقعیت‌های عمومی و خصوصی افراد داشته باشیم. اینکه دستفروشی معلول فقر اقتصادی است کشور ۵۰ تا ۷۰ سال پیش است. الان مثل آن دوران نیست. شکل دستفروشی هم تحت تأثیر فضای دیجیتال قرار گرفته است. یعنی خرید و فروش آنلاین به نوعی جایگزین خرده فروشی‌های حضوری در سطح خیابان‌ها شده که بخشی از آن همان دستفروشی است.

■ **یعنی خرید و فروش‌های آنلاین هم به نوعی دستفروشی در فضای مجازی است؟**

منظور این است که دستفروشی شکل مدرن پیدا کرده است و بر این اساس عده‌ای از دستفروشان به سمت فضای مجازی کوچ کرده‌اند. البته مساله کرونا تأثیر زیادی روی این موضوع گذاشته است. اصلاً یکی از دلایلی که بخشی از مشتری‌های حضوری در این دو سال کم شده‌اند، باب شدن خرید و فروش در فضای مجازی است.

■ **سای این توصیف پدیده دستفروشی در زمینه‌های نزدیک دچار تغییر و تحولات زیادی خواهد شد.**

بله ممکن است در آینده، دستفروشی به‌طور طبیعی به حاشیه برود. از نظر جامعه‌شناسان، نظام دستفروشی دارای خرده فرهنگی است که باید حذف شود. در این نظام فقط دستفروشان لذت نمی‌برند، خریداران هم لذت می‌برند. بسیاری از مردم علاقه دارند از دستفروشان خرید کنند. این یک پدیده متقابل است. یعنی اگر قرار است دستفروشان نبینند که زیر سؤال هستند. خریداران هم زیر سؤالند. حتی اگر بخواهیم پیمایش کنیم هم متوجه می‌شویم که برخی‌ها بویژه زنان از این کار لذت می‌برند. ■ **در ایران بازار دستفروشی رسمی است یا غیررسمی؟**  
ما در ایران بیشتر درگیر بازار غیررسمی هستیم. بازار رسمی برای آن عده‌ای است و شناسایی کارت صادر شده و شناسایی شده‌اند. البته آمار قطعی وجود ندارد، چون فعالیت اقتصادی سیاری است و تابع مسائل اقتصادی، اجتماعی و عمومی متعددی است.



کسب کرده‌ایم در سیاست‌های‌ی مربوط به این حوزه استفاده کنیم. این متخصص سالمندشناسی با اشاره به این که مقوله سلامت روان از سلامت جسم نباید جدا باشد، می‌گوید: در همه جای دنیا خدمات سلامت روان لوکس به حساب می‌آید. در بسیاری از کشورهای جهان هم خدمات روانشناسی و روانپزشکی تحت پوشش بیمه نیست و وقتی اولویت‌های دیگری برای ارائه خدمات داریم مثل اولویت‌های دارویی یا غربالگری‌های جسمی و… هنوز خدمات بسیاری از پژوهشی استفاده کنیم ولی با توجه به واکنسایون گسترده و کاهش تب کرونا در کشور امیدواریم مطالعات کلان را در حوزه سالمندی از سر بگیریم. البته این که در دوران کرونا چه اتفاقی برای سالمندان افتاد یا چه تجربیاتی کسب کردند، داده‌های با ارزشی برای سیاستگذاری در حوزه سالمندی است که حتماً به آنها توجه ویژه‌ای خواهیم داشت. مثلاً دوران کرونا باعث شد سالمندان به کسب مهارت‌هایی رویابورند که ارزشمند بود. تا قبل از کرونا استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر مربوط به جوان‌ها بود ولی در دوران کرونا به واسطه محدودیت‌های ارتباطی، سالمندان به سمت شبکه‌های اجتماعی رفتند و مجبور بودند یاد بگیرند یا شبکه‌های اجتماعی کار کنند حتی به صورت آنلاین با پزشکان‌شان ارتباط گرفتند، کارهای بانکی‌شان را انجام دادند و در واقع در این زمینه مهارت و سواد رسانه‌ای به دست آوردند.

وی ادامه داد: در واقع کرونا باوجود همه آسیب‌ها باعث شد تا سالمندان ما مهارت به دست بیابورند. در نظر داشته باشید که میزان سواد در سالمندان جامعه در حال حاضر پایین است و می‌توانیم از این داده‌هایی که در راحتی به سالمندان دسترسی داشتیم. کرونا باعث شد راه ورود ما به دلیل انتقال ویروس به مراکز نگهداری بسته شود، سالمندا مثل گذشته در پارک و خیابان هم نبوبند و بنابراین نمی‌توانستیم مثل گذشته به راحتی از مشارکت سالمندان در کارهای پژوهشی استفاده کنیم ولی با توجه به واکنسایون گسترده و کاهش تب کرونا در کشور امیدواریم مطالعات کلان را در حوزه سالمندی از سر بگیریم. البته این که در دوران کرونا چه اتفاقی برای سالمندان افتاد یا چه تجربیاتی کسب کردند، داده‌های با ارزشی برای سیاستگذاری در حوزه سالمندی است که حتماً به آنها توجه ویژه‌ای خواهیم داشت. مثلاً دوران کرونا باعث شد سالمندان به کسب مهارت‌هایی رویابورند که ارزشمند بود. تا قبل از کرونا استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر مربوط به جوان‌ها بود ولی در دوران کرونا به واسطه محدودیت‌های ارتباطی، سالمندان به سمت شبکه‌های اجتماعی رفتند و مجبور بودند یاد بگیرند یا شبکه‌های اجتماعی کار کنند حتی به صورت آنلاین با پزشکان‌شان ارتباط گرفتند، کارهای بانکی‌شان را انجام دادند و در واقع در این زمینه مهارت و سواد رسانه‌ای به دست آوردند.

وی ادامه داد: در واقع کرونا باوجود همه آسیب‌ها باعث شد تا سالمندان ما مهارت به دست بیابورند. در نظر داشته باشید که میزان سواد در سالمندان جامعه در حال حاضر پایین است و می‌توانیم از این داده‌هایی که

شده است مثل خدمات سلامت روان مبتنی بر جامعه برای سالمندان که افرادی آموزش دیده، سالمندان را غربالگری می‌کنند و اگر مشکلی داشته باشند آنها را به متخصصان ارجاع می‌دهند. مهمتر از همه این که در کشورمان سند ملی سالمندان را با ردیف بودجه و مدون داریم که جنبه‌های مختلفی در آن دیده شده و سازمان‌ها و نهادهای مختلفی در تهیه و تدوین آن نقش داشته‌اند اما مشکل ما فقط سیاستگذاری نیست، مشکل ما بحث ضمانت اجرایی در حوزه سالمندان است و در واقع پاشنه آشیل ما در این حوزه ضمانت اجرایی مصوبه‌ها و سیاستگذاری‌ها در حوزه سالمندی است.

وی افزود: همه ما سالمند خواهیم شد نباید به این دوران با چشم دوران فررتی و ناتوانی نگاه کنیم. دوران سالمندی دوران خرده‌مندی است، سالمندی دوران با ارزشی است و می‌توانیم از این پتانسیل برای آموزش نسل بعد استفاده کنیم. نباید استفاده کنند، آرزوی بزرگی است. شاید در سال‌های ۱۴۲۰ تا ۱۴۳۰ که دهه شصتی‌ها موج سالمندی را در کشور ایجاد می‌کنند و احتمالاً نرخ ۲۰ تا ۲۵ درصدی سالمندی را در کشور تجربه خواهیم کرد، آن زمان با توجه به افزایش جمعیت و افزایش تعداد ارائه‌دهندگان خدمات بتوانیم انتظار داشته باشیم که سلامت روان در اولویت سیاستگذاری‌ها قرار گیرد. این متخصص بیان کرد: البته در کشورمان اقدامات خوبی در زمین‌ه انجام جوان‌ها انگیزه زندگی دارد.